

🕒 کوتاه‌از حوادث

اعتراف متهم به پدرکشی

🔪 مرد جوان که از بیماری عصبی رنج می‌برد و در پی اختلاف با پدرش او را کشته و گریخته بود بعد از گذشت چهار ماه فرار با زداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۲۰ شامگاه هفتم اردیبهشت‌ماه یکی از ماموران کلانتری سلیمانیه در تماس با بازپرس کشیک قتل داسرای جنبی تهران او را در جریان قتل مردی ۶۵ساله که جسدش در آرایشگاه مردانه افتاده بود قرار داد. همزمان با حضور ماموران در آنجاییکراو رادر حالی یافتندکه آثار سه ضربه با جسم برنده روی بدنش وجود داشت. صاحب آرایشگری به ماموران گفت صدای مشاجره را شنیده و بعد از آن دیده مرد همسایه زخمی وارد محل کارش شده و در ادامه فوت کرده است. بعد هم که بیرون آمده از صحبت‌های اهالی فهمیده او به‌دست پسرش به قتل رسیده است. با مشخص شدن هویت قاتل ۴۰ساله فراری، او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت تا این‌که با گذشت بیش از چهارماه، مخفیگاهش در یکی از محله‌های جنوب شرق تهران شناسایی و بازداشت شد. متهم با انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی تهران در بازجویی به قتل پدرش اعتراف کرد و گفت: پدرم دارای بیماری عصبی بود و دارو مصرف می‌کرد. من هم از بیماری روحی رنج می‌بردم و داروهای اعصاب مصرف می‌کردم. قبلاً بستری شده بودم. مدتی بود من و پدرم با هم درگیری داشتیم. چون او به همه کارهایم گیر می‌داد و مدام بهانه‌جویی می‌کرد. وی افزود: شرایطم به‌گونه‌ای بود که دیگر تمایل نداشتم قرص مصرف کنم و حالم بدتر شده بود. آن شب رفتم خانه تا کارهای تعمیرات لوله‌کشی را انجام دهم که به سرانجام نرسید. تصمیم گرفتم از تعمیرکار محل کمک بگیرم. کاتری که برای تعمیر برده بودم دستم جا مانده بود. موقع خروج از خانه او را رد خیابان دیدم. متهم ادامه داد: چون قرص اعصاب نخورده بودم حال روحی‌ام بد بود و با پدرم جرو بحثم شد. عصبانی شدم و با کاتر ضرباتی به او زدم. پدرم که زخمی شده بود به داخل آرایشگاه مردانه همسایه فرار کرد و روی زمین افتاد. از ترس فرار کردم و روز بعد از طریق دوستم فهمیدم پدرم مرده. نمی‌دانستم چه کنم. مدتی در بوستان‌ها، بیابان‌های اطراف تهران و خانه دوستانم سرگردان بودم تا این‌که هنگام رفتن به خانه دوست دیگرم دستگیر شدم. محمد جواد شفیعی بازپرس شعبه پنجم دادسرای جنبی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: متهم به پدرکشی در بازداشت به‌سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد و قرار است برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی‌شود.

مرگ خاموش ۳ نفر در کوه

🔪 سه نفر بر اثر حادثه گازگرفتگی در کوه‌های اطراف روستای پاکل شهرستان بدره دچار حادثه شده و فوت کردند. حمزه محمدی مقدم، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر ایلام به ایرنا گفت: ساعت ۷:۲۰ صبح سه‌شنبه این حادثه به مرکز کنترل و هماهنگی عملیات اضطراری جمعیت هلال احمر استان ایلام اطلاع داده شد و چهار گروه عملیاتی به‌محل حادثه اعزام شدند. معلوم شد سه شهروند بر اثر گازگرفتگی و استنشاق گازهای سمی در یک گودال عمیق جان خود را از دست دادانده که نجات‌گران جمعیت هلال احمر پس از حضور در محل، عملیات‌رها سازی و انتقال بیکرها را آغاز کرده و پس از هفت ساعت عملیات آنها را از گودال خارج کردند. علت حضور این افراد در این تونل هنوز مشخص نیست و تحقیقات پلیسی ادامه دارد.

حس برای سارقان سوخت هواپیما

🔪 افرادی که با سرقت از خطوط انتقال سوخت هواپیما، اقدام به قاچاق آن می‌کنند به حبس و جزای نقدی محکوم شدند. به گزارش ایرنا، مجتبی قهرمانی، رئیس کل دادگستری هرمزگان گفت: پس از طی مراحل دادرسی با رأی دادگاه تجدیدنظر استان هرمزگان، حکم قطعی محکومیت افرادی که با سرقت از خطوط انتقال سوخت هواپیما، اقدام به قاچاق آن می‌کنند، صادر شد.

هلاکت ۲ سارق مسلح در نیکشهر

🔪 دو سارق مسلح که قصد انتقال دو خودرو سرقتی به گروه‌های تروریستی را داشتند شناسایی و به هلاکت رسیدند. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی پلیس سیستان و بلوچستان، در پی وقوع چند فقره سرقت مسلحانه در مسلح جنوب سیستان و بلوچستان، تحقیقات پلیسی آغاز شد.



تک‌پلیس به دزدان و مال‌خران پایتخت

در طرح پلیس آگاهی تهران ۲۵۵ مجرم با کلکسیون‌ی از سرقت دستگیر شدند

مجرمانی با کلکسیون‌ی از جرایم

به روال همیشه محوطه پلیس آگاهی تهران بزرگ پر بود از سارقانی که در یک طرف ایستاده بودند و روبه‌روی‌شان هم کشفیات پلیس روی میز چیده شده بود. از لوازم

دستگیری مرد عنکبوتی

متهم اول حدود ۳۰ سال دارد و می‌گوید اولین بار است که دستگیر شده. او و همدستانش به صورت باندی دست به سرقت می‌زدند و باتوق اصلی‌شان برای سرقت مناطق شمالی تهران بود. شگردشان این‌طور بود که ابتدا با شناسایی خانه‌هایی که چراغ‌های‌شان خاموش بود، زنگ در خانه را به صدا در می‌آوردند تا ببینند کسی در خانه حضور دارد یا نه. پس از زنگ زدن، حدود ۲۰ دقیقه محل احتمالی سرقت را ترک می‌کردند و پس از کمی پرسه زدن دوباره برمی‌گشتند و زنگ می‌زدند. اگر این بار کسی در را به روی‌شان باز نمی‌کرد، آن موقع او و همدستانش وارد عمل می‌شدند. یکی از آنها به‌عنوان زاغزن کشیک می‌داد تا مبدا صاحبخانه از راه برسد. نفر دوم به‌عنوان راننده پشت فرمان ماشین بود تا هر زمان نیاز شد یا به فرار بگذارند. نفر سوم با لقب «مرد عنکبوتی» از دیوار راست بالا می‌رفت و خود را به بالکن طبقات دوم یا سوم می‌رساند. بعد با ورود به داخل خانه مورد سرقت فقط دنبال پول و طلا می‌گشتند. آن‌طور که خود در اعتراف‌اش می‌گوید، چون نمی‌توانستند در گاوصندوق را باز کنند، به آن کاری نداشتند اما چون می‌دانند خانم‌ها معمولاً طلا و اشیای گرانبهاتر خود را در کسوها، دراور، تختخواب، کمدهای دیواری، کابینت آشپزخانه و جیب لباس‌ها پنهان می‌کنند، بدون نیاز به دستگاه طلاپایا، یک‌راست سراغ این نقاط می‌روند و طلاها را به سرقت می‌برند. تمام این اتفاقات در مدت ۱۵ دقیقه رخ می‌داد و پس از سرقت از همان دیواری که بالا رفته بودند، پایین می‌آمدند و پا به فرار می‌گذاشتند. این سارق در مورد میزان سودش از این سرقت‌ها می‌گوید که بسته به میزان سرقت، درصد سود نیز متفاوت بود و باید بین سه نفر تقسیم می‌شد اما در هر سرقت حدود ۵۰ میلیون تومان نصیب هر یک از اعضای باند می‌شد. از او خواستیم تا به مردم چند هشدار دهد که گفت اگر ساکن طبقات اول و دوم هستند، مقابل پنجره حفاظ فلزی قرار دهند چون اغلب سرقت‌ها از طریق پنجره‌ها انجام می‌شود. مردم طلای زیادی در خانه نگهداری نکنند. از گاو صندوق هم برای نگهداری اشیای گرانبهاتر استفاده نکنند، زیرا برخی سارقان گاوصندوق را از محل سرقت با خود حمل می‌کنند و می‌برند. اگر عازم سفر هستند، پول و طلای خود را به فردی امین بسپارند. اگر هم دیر به خانه بازمی‌گردند، حتماً یکی دو لایمپ را روشن نگه دارند. او در نهایت گفت این شایعه که سارقان با دستگاه طلاپایا اقدام به سرقت می‌کنند صحت ندارد، زیرا سارقان از محل اختفای طلاها خبر دارند و می‌دانند که معمولاً بیش از ۹۰ درصد طلاها در اتاق خواب نگهداری می‌شود.

سارقی با دندنان طلا

این متهم گوشی قاپ هم حول و حوش ۳۰ سال دارد و دندنان طلایش بیش از همه در دهانش خودنمایی می‌کند. آخرین بار تعدادی گوشی تلفن همراه و دستبند یک زن را سرقت کرد تا این‌که به تور پلیس افتاد. او از ۱۵ سالگی سرقت را آغاز کرده و تعداد سوابقش آن‌قدر زیباست که نمی‌داند بابت هر کدام چندبار زندان رفته است. صحبت‌های او را بخوانید:

«متاهلم و یک دختر ۱۰ ساله دارم که با مادرم زندگی می‌کند. پس از ازدواج و وقتی برای اولین بار پس از سرقت دستگیر شدم، همسرم قهر کرد و رفت و بچه نزد من ماند. دخترم می‌داند سارق هستم، می‌گوید بابا این

مال‌خر گوشی تلفن همراه

این متهم هم زیر ۳۰ سال سن دارد و باتوق یا بهتر بگوییم محل کارش سر چهارراه مولوی تهران است. به گفته خودش آنجا باتوق مال‌خرهای گوشی تلفن همراه است. او می‌گوید تمام سارقان او را می‌شناسند و برای همین پس از سرقت، گوشی را نزد او می‌آورند تا بفروشند.

🕒 بیشتر چه مدل گوشی می‌خری؟

🕒 فقط آیفون و سامسونگ مدل بالا.

🕒 برای هر آیفون چقدر پرداخت می‌کنی؟

🕒 برای آیفون ۶، ۰۱۷ میلیون تومان

🕒 اقدام سرقتی را چطور می‌فروشی؟

با یک مال‌خر افغانستانی در ارتباطم و برای همین

بسته‌های ۱۰ یا ۲۰ تایی گوشی‌ها را به افغانستان می‌برد.

گوشی‌هایی که اینجا سرقت می‌شود، در افغانستان

قابل ردیابی نیست.

🕒 از فروش هر گوشی چقدر گیرت می‌آید؟

بسته به نوع گوشی فرق دارد. از هر گوشی ۱۰ تا ۳۰ تومن

سود می‌کنم.

🕒 درآمد ماهانه‌ات چقدر است؟

روزی ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان.

کلاهبردار دیواری

آخرین متهم، کلاهبرداری بود که پیش از ارتکاب جرم در کار خرید و فروش ملک فعالیت داشت و برای همین به سامانه املاک نیز دسترسی داشت. او برای رسیدن

خانه و ماشین تا حتی باتری قلمی، قمه و قطعات خودرو، همه جور اشیایی روی میز به چشم می‌خورد. به گفته فرمانده انتظامی تهران، اغلب سارقان به صورت باندی فعالیت می‌کردند که در ۷۲ ساعت گذشته دستگیر شده بودند. با سه سارق و یک کلاهبردار گفت‌وگویی انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید:

کار را نکن، به او گفتم سرقت نکنم چه کنم؟ هیچ کاری ندارم. اگر دزدی نکنم، پس چطور خرج شکم ۹ عضو خانواده‌ام را بدهم. اگر کسی باشد که در ماه ۳۰ میلیون تومان حقوق بدهد، من دیگر سراغ دزدی نمی‌روم اما چون سابقه‌دار هستم کسی به من اعتماد نمی‌کند و کار نمی‌دهد. بین رفقایم به «سارق مرام‌دار» معروفم، چون فقط گوشی آیفون مدل بالا سرقت می‌کنم و با کسی که مدل گوشی‌اش پایین‌تر و وضع مالی‌اش بد است کاری ندارم. اغلب سراغ پولدارهای جنوب شهر می‌روم و قربانیانی را انتخاب می‌کنم که بچه همراه‌شان نیست. اگر کودکی همراه قربانی باشد، کاری به او ندارم زیرا من هم دختر دارم و می‌دانم انجام این عمل در حضور کودک تأثیر بدی در روحیه او می‌گذارد.

🕒 معتادی؟

نه اصلاً، هرچه درآمد داشته باشم، همه را خرج خوشگذرانی می‌کنم اما حالا باید همه چیزهایی که سرقت کرده‌ام را پس بدهم.

🕒 چند هشدار به مردم بده برای این‌که

گوشی‌های‌شان سرقت نشود.

گوشی گرانبهاتر یعنی دزد، دزدی مرا بدزد. بهتر است در زمان صحبت کردن با تلفن همراه از ایرپاد استفاده کنید و گوشی را دست‌نشان نگیرید. اگر سوار ماشین شدید و دیدید پنجره‌ی است، فوری گوشی‌تان را در نیاورید که تماس بگیرید، زیرا به سرعت گوشی را می‌زنند. این احتمال را بدهید که شاید سارقی عمداً لاستیک ماشین را پنجره کرده باشد. زمانی که با تلفن همراه صحبت می‌کنید، شیشه ماشین بالا باشد، مخصوصاً در ترافیک. سعی کنید گوشی را از بالا و پایین با هر دو دست بگیرید، زیرا شگرد سارقان این است که به

زیر دست‌تان ضربه می‌زنند و گوشی بالا می‌رود و در همین فاصله اقدام به سرقت می‌کنند. اگر دیدید یک موتورسوار با کلاه لبه‌دار و ماسک همراهیا یک نفر روی ترکش جلوتر از شما ایستاد و سپس خلاف جهت شما آمدند، مطمئن باشید سارق است.

به پول بدون زحمت، آگهی واقعی فروش یک ملک را با اطلاعات دروغین منتشر می‌کرد و به خریداران می‌گفت ملک موردنظر‌تان را پیدا کرده‌ام، سپس از آنها بین ۴۰ تا ۸۰ میلیون تومان بیعانه می‌گرفت. این کلاهبردار از این طریق چند صد میلیون تومان به جیب زد.

بخشش قاتل بعد از ۱۹ سال بلا تکلیفی در زندان

نیز برای پایان دادن به این ماجرا وارد دعوا شد. با شدت درگیری من با جاقو و برادرم با چوبدستی به وی حمله کردیم که او به شدت زخمی و مصدوم شد و در ادامه فوت کرد. این درحالی بود که برادر قاتل نیز در جلسه محاکمه گفته‌های او را تایید کرد. بعداز پایان جلسه محاکمه قضات دادگاه متهم را به اتهام مباشرت در قتل عمد گناهکار شناختند و وی به قصاص و پرداخت بابت معاونت در قتل به تحمل ۱۵ سال حبس محکوم شد. آرای صادره در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور تایید و پرونده برای اجرا به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنبی تهران ارسال شد. برادرش بعداز پایان محکومیت از زندان آزاد شد اما قاتل ۱۹ سال هم‌چنان در زندان بلا تکلیف مانده و زیر حکم قصاص بود. سرانجام بعداز این همه سال، جلسات صلح و سازشی در اجرای احکام دادسرای جنبی تهران برگزار شد و خانواده مقتول برای بخشش او درخواست وجه‌المصلحه کردند.

حسین دورودی، قاضی شعبه دوم اجرای احکام دادسرای جنبی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: بعداز چند جلسه صلح و سازش به کمک خیرین با خانواده مقتول سرانجام آنها رضایت دادند. قاتل شرط خانواده را که پرداخت وجه‌المصلحه بود قبول کرد و آن را به کمک خانواده‌اش و خیرین پرداخت کرد. همچنین شرط دوم خانواده مقتول مبنی بر این‌که قاتل باید تهران را ترک کند و هیچ‌گاه به آنجا بازنگردد و نیز در شهرهای شمالی واردیل که محل‌های زندگی و تردد اعضای خانواده مقتول است، هیچ‌گونه ترددی نداشته باشد را پذیرفت. بنابراین زندانی بخشیده شده بعداز ۱۹ سال از مجازات قصاص رها شد و به زودی از زندان آزاد می‌شود.

چه کسی راننده میانسال را کشت؟

مرد جوان که متهم به قتل در جریان نزاع است، در دادگاه منکر اتهامش شد. دو شاهد پرونده هم او را به‌عنوان قاتل معرفی نکردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، رسیدگی به این پرونده از مردادماه ۱۳۹۹ با گازش قتل مرد میانسالی آغاز شد. تیم جنبایی با حضور در بیمارستان متوجه شد او با ضربات جاقو مجروح شده و تلاش پزشکان برای نجات جانش مؤثر واقع نشده است. دو مرد مقتول را به بیمارستان منتقل کرده بودند که یکی از آنها در تحقیقات گفت: مقتول (احمد) با دو پسر موتورسوار در مقابل بازار روز عبدال‌آباد درگیر شد. یکی از آنها با جاقو به جان احمد افتاد و چندین ضربه به شکم و کمرش زد. بعد هم دو تایی از محل فرار کردند. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران با کمک یکی از شاهدان چهره‌نگاری کردند و با بررسی بانک اطلاعات مجرمان به مردی به نام سعید رسیدند. سعید بعد از این درگیری تهران را ترک کرده بود که در غرب کشور شناسایی و دستگیر شد. او در جریان تحقیقات منکر قتل شد اما به دلیل اظهارات شاهدان و آنتن دهی تلفن همراهش در محل درگیری برای او کیفرخواست صادر شد و پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. در جلسه رسیدگی به این پرونده وکیل اولیای دم گفت: خواهر و برادر احمد اولیای دم او هستند که برای قاتل برادرشان درخواست قصاص کردند. آنها در شهرستان زندگی می‌کنند و توانایی حضور در تهران را ندارند.